

حکم تکلیفی و وضعی خرید و فروش در هنگام برپایی نماز جمعه

احسان حضرت زاده

طلبه کارشناسی مرکز تخصصی فقه و حقوق قم المقدسه

Ehsan.cavaliers@yahoo.com

چکیده

بیع و خرید و فروش در هنگام برپایی نماز جمعه، از جمله مسائلی است که در فقه امامیه با گزاره‌های مختلفی، مطرح گردیده است. اما ممنوعیت یا عدم ممنوعیت آن، چندان هویدا نیست. به جهت آنکه تحقیقی موسّع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است! از این رو پرسش از حکم وضعی و تکلیفی خرید و فروش هنگام برپایی نماز جمعه، از مسائلی است که نیازمند کاویدن تا مرحله یافتن پاسخی درخور می‌باشد (مسأله). واکاوی آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (سوره جمعه، آیه ۹) و تتبع در کلمات فقهاء پیرامون آن نشان می‌دهد که فهم علماء از واژه «وَذَرُوا الْبَيْعَ»، برخی به کراهت و برخی به حرمت رهنمون شده‌اند که در هر دو فرض، اتفاق علماء بر صحت معامله و حلّیت کسب درآمد از آن راه است (فرضیه). این تحقیق با هدف شناخت حکم وضعی و تکلیفی خرید و فروش در هنگام برپایی نماز جمعه صورت گرفته است (هدف) و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است (روش) که نتیجه آن، تبیین حکم وضعی و تکلیفی خرید و فروش می‌باشد (یافته).

واژه‌های کلیدی: نماز جمعه، بیع، حکم تکلیفی و وضعی، فقه امامیه.

۱- مقدمه

نماز جمعه یکی از مهم‌ترین فریضه‌های شرع مقدس اسلام می‌باشد. در زمان حضور پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» و حضرات معصومین «علیهم السلام» نماز جمعه به شکل واجب عینی تعیینی اقامه می‌شد و اجماع علماء بر این مطلب اشاره دارد. برای بیان اهمیت نماز جمعه، می‌توان به آیات و روایتی اشاره کرد:

الف) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره جمعه، آیه ۹)

در شأن نزول آیه فرموده‌اند که دحیه بن خلیفه الکلبی قبل از اسلام آوردنش، به تجارت مشغول بود و هنگام ورود به شهر، مردم به استقبالش می‌رفتند، روزی ورودش به شهر مقارن با نماز جمعه پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» شد، پیامبر روی منبر مشغول خطابه بودند که مردم از مسجد خارج شدند، پیامبر «صلی الله علیه و آله و سلم» فرمودند چند نفر در مسجد مانده‌اند، گفتند دوازده نفر، حضرت فرمودند اگر این دوازده نفر نبودند، قطعا برای آنان از آسمان سنگ می‌بارید سپس این آیه

نازل شد که «وَ إِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَ تَرَكُوا قَائِمًا عَلَى الْمَنبَرِ قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الْلَهْوِ يَعْنِي مِنَ الطَّبْلِ وَ التَّصْفِيقِ وَ مِنَ التَّجَارَةِ الَّتِي جَاءَ بِهَا دَحِيهٌ وَ اللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (شحاته و مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۲۷)

(ب) روایات

۱. وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ (ابن بابویه ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۴۲۷) «هر کس از روی ایمان به نماز جمعه برود، گناهانش آمرزیده می‌شود و اعمالش را از نو شروع کند»

۲. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعَةٌ يَسْتَأْنِفُ الْعَمَلَ الْمَرِيضُ إِذَا بَرَأَ وَ الْمَشْرُكُ إِذَا أَسْلَمَ وَ الْمُنْصَرِفُ مِنَ الْجُمُعَةِ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا وَ... (الجعفریات - الأشعثیات، ص ۳۳) «چهار نفر اند که اعمالشان را از نو شروع کنند، یکی از آنان کسی است که از نماز جمعه برمی‌گردد»

۳. جَاءَ أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ ص يُقَالُ لَهُ قَلْبٌ فَقَالَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي تَهَيَّأْتُ إِلَى الْحَجِّ كَذَا وَ كَذَا مَرَّةً فَمَا قُدِّرَ لِي فَقَالَ لَهُ يَا قَلْبُ عَلَيْكَ بِالْجُمُعَةِ فَإِنَّهَا حَجٌّ الْمَسَاكِينِ (قمی، ج ۳، ص ۲۳۷)

۴. «قلیب نزد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آمد و سوال از حج کرد، پیامبر ایشان را به نماز جمعه رهنمون کردند»

۵. مَا مِنْ مُؤْمِنٍ مَشَى بِقَدَمَيْهِ إِلَى الْجُمُعَةِ إِلَّا خَفَّفَ اللَّهُ عَلَيْهِ أَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بَعْدَ مَا يَخْطُبُ الْإِمَامُ وَ هِيَ سَاعَةٌ يَرْحَمُ اللَّهُ فِيهَا الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ (نوری ۱۴۰۸، ج ۶، ص ۴۲) «هر کس قدمی که برمی‌دارد به سوی جمعه، خداوند خوف و ترس روز قیامت را از وی دور می‌کند»

۶. قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ تَرَكَ الْجُمُعَةَ ثَلَاثًا مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قَلْبِهِ. (قمی، ج ۷، ص ۳۰۱) «هر کس سه تا نماز جمعه نرود خداوند قلبش را مهر می‌زند»

۷. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الدَّوَاءَ يَوْمَ الْخَمِيسِ فَقِيلَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِمَ ذَلِكَ قَالَ لِئَلَّا يَضَعِفَ عَنْ إِيْتِيَانِ الْجُمُعَةِ (قمی، ج ۱، ص ۴۲۷) «حضرت علی علیه السلام، از خوردن دواء در روز جمعه نهی کرده‌اند تا مبادا موجب ضعف و سستی شود و مانع رفتن به نماز جمعه گردد»

(ج) دعای امام سجاد علیه السلام در روز عید و نماز جمعه

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا الْمَقَامَ لِخُلَفَائِكَ وَ أَصْفِيَائِكَ وَ مَوَاضِعِ أَمْنَائِكَ فِي الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الَّتِي اخْتَصَصْتَهُمْ بِهَا قَدْ ابْتَرَوْهَا، وَ أَنْتَ الْمُقَدِّرُ لِذَلِكَ (بهاء‌الشرف ۱۳۹۷، دعای چهل و هشتم)

«بار خدایا این مقام (نماز عید و جمعه) برای جانشینان و برگزیدگان تو است و این جایگاه امینان تو را با پایه بلندی که تو به ایشان اختصاص داده‌ای از آنان تصاحب کردند...»

با توجه به اهمیت بیان شده در مورد نماز جمعه و همچنین داشتن آثار اجتماعی و سیاسی و شرط بودن اذن امام علیه السلام، بحث نماز جمعه در عصر غیبت مطرح گردیده است. پس از تشکیل حکومت شیعی، شیعیان بدلیل عدم اقامه نماز

جمعه مورد انتقاد علمای سنی عثمانی قرار گرفتند. اولین نفر مرحوم کرکی بود که بحث نماز جمعه را مطرح کردند و قائل به نظریه وجوب تخییری شدند. پس از ایشان شهید ثانی رساله ای نوشتند و نظریه وجوب عینی نماز جمعه را مطرح کردند. سپس نظریات دیگری مطرح شدند که هم اکنون وجوب تخییری نماز جمعه در عصر غیبت مطرح است. (نراقی ۱۳۸۴، ص ۵۴۲)

در بحث نماز جمعه رفتن حضرات معصومین علیهم السلام، اقوالی مطرح شده است:

۱. به نماز جمعه رفتن حضرت علی علیه السلام، هر چند از روی تقیه باشد.
۲. خواندن نماز خود در خانه و سپس حاضر شدن در نماز جمعه بصورت تقیه‌ای. قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَيْفَ تَصْنَعُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - قَالَ كَيْفَ تَصْنَعُ أَنْتَ - قُلْتُ أَصَلِّي فِي مَنْزِلِي ثُمَّ أَخْرَجُ فَأُصَلِّي مَعَهُمْ - قَالَ كَذَلِكَ أَصْنَعُ أَنَا. (قمی، ج ۷، ص ۳۵۰)
۳. پس از خواندن نماز جمعه، خودشان دو رکعت دیگر می‌خواندند. كَانَ عَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ ص يُصَلِّي مَعَهُمُ الرَّكَعَتَيْنِ فَإِذَا فَرَعُوا قَامَ فَأَضَافَ إِلَيْهِمَا رَكَعَتَيْنِ (قمی، ج ۳، ص ۳۷۵)

با توجه به مباحثی که مطرح شد، برگزاری نماز جمعه در عصر غیبت واجب تخییری می‌باشد، سوالی مطرح می‌شود که در آیه از خرید و فروش هنگام نماز جمعه نهی شده است، در حالی که می‌بینیم مردم در آن زمان مشغول خرید و فروش هستند، در این مقاله تلاش نموده‌ایم تا بخشی از ابعاد این مسئله را مطرح کرده و در حد توان پاسخی مناسبی بدهیم.

۲- تبیین مفهوم آیه

در مقدمه اشاره کردیم که آیه یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره جمعه، آیه ۹) از خرید و فروش هنگام نماز جمعه نهی می‌کند، در اینجا می‌خواهیم مفاهیم و واژه‌های آیه را بررسی کنیم:

۱. منظور از آمنوا، یعنی ای کسانی که به خدا و پیامبرش ایمان آورده‌اید و شامل عصر حضور و غیبت می‌گردد. (حجazy ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۴۰۷)
۲. ظاهر آیه متوجه مؤمنین است و در مورد فاسق، دو قول می‌باشد که اگر جزء مؤمنان بدانیم، آیه شامل هر دو می‌باشد ولی اگر فاسق را مؤمن ندانیم، از باب تغلیب، این آیه شامل آن می‌شود. (ابن‌هائم ۲۰۰۳، ج ۱۰، ص ۸)
۳. در آیه ششم همین سوره که درباره یهود است، خداوند فرموده است، قل ولی در این آیه از کلمه قل استفاده نکرده است به خاطر اهمیت و شرافت مؤمنان. (ابن‌ابی‌جامع ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۲۳)
۴. ال در کلمه الصلاه، به معنای تعلیل است، یعنی اگر نداء برای نماز باشد... (طنطاوی ۱۹۹۷، ج ۱۴، ص ۳۸۷)

۵. کلمه من در من يوم الجمعة، زائد است و به معنای فی می‌باشد. (شحاته و مقاتل بن سلیمان ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۳۲۷)
۶. منظور از «و ذروا البیع» یعنی، ترک مبیاعه و هر بیعی که موجب فوت نماز جمعه گردد. (طبرسی ۱۴۱۳، ج ۱۰، ص ۴۳۴) برخی دیگر گفته‌اند که به معنای اترکوا البیع و الشراء. (بحر العلوم ج ۳، ص ۴۴۹)
۷. عبارت «ذلکم خیر لکم» به این معنا می‌باشد که رفتن به نماز جمعه بهتر از معامله می‌باشد. (کاشانی ۱۳۸۱، ج ۷، ص ۶۰)

۳- مفهوم حکم

در تعریف حکم این چنین گفته شده است که؛ منظور از حکم شرعی، خطاب خداوند است که متعلق این خطاب، افعال مکلفین می‌باشد که این خطاب یا بصورت اقتضاء (طلب یا ترک) با تخییر می‌باشد. شهید ثانی حکم وضعی را متعلق تکلیف نمی‌داند (استرآبادی ۱۴۲۶، ص ۳۹۷، ص ۳۹۸) ولی مرحوم کرکی حکم وضعی را متعلق خطاب می‌داند.

خود حکم بر دو قسم می‌باشد:

۱. حکم تکلیفی: حکمی که بداعی زجر یا ترخیص صادر شود و شامل احکام خمس می‌گردد و علت نام گذاری آن به تکلیفی، به این خاطر است که مامور به غالباً به کلفت و سختی و مشقت می‌افتد.
۲. حکم وضعی: هر حکم جعل شده توسط شارع که بداعی حکم تکلیفی نباشد مثلاً، زوجیت، ملکیت

۴- مفهوم بیع

بیع در لغت به معنای اعطاء المثلث و اخذ الثمن (فرزانه ۱۳۹۲، ۱۵۵) یا به معنای مبادله مال بمال می‌باشد.

بیع در اصطلاح دارای اختلافاتی می‌باشد ولی آنچه که در اقوال همه علماء می‌توان یافت به این صورت است که بیع عبارت است از ایجاب و قبول از افراد کامل (بلوغ و عاقل) که این ایجاب و قبول دلالت می‌کند بر انتقال عین در مقابل عوض مقدر همراه با رضایت طرفین (شهید اول و مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۹۲)

علماء در کتب فقهی خودشان بعد از تعریف بیع، بحث از معاطاه کرده و برای آن نیز، تعریفی را مشخص می‌کنند، ما هم در اینجا، تعریفی از معاطات بیان می‌کنیم به این نحو که، معاطات عبارت است از اعطاء کل واحد من المتبایعین ما یریده من المال عوضاً عما یاخذه من الآخر (انصاری ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۳۸) «دادن هر یک از طرفین به یکدیگر، آنچه را که در مقابل ثمن و

مؤمن دریافت می‌کنند» با توجه به تعریف، متوجه شدیم که معاطات، شرایط بیع را ندارد و در این که معاطاه بیع است یا نه، بین علماء اختلاف است.

۵- مفهوم نداء نماز جمعه

با رجوع به گزاره های دینی، به این نتیجه میرسیم که منظور از نداء در آیه شریفه، اذان ظهر روز جمعه میباشد، به طور مختصر به مواردی اشاره میکنیم:

۱. الامر بالسعی فی الآیه، معلق علی النداء لها و هو الاذان (زین‌الدین بن علی شهید ثانی ۱۳۷۹، ج ۱، ۱۷۶)
۲. اذا اذن المودن یوم الجمعة، نادی منادی حرم البیع (حرعاملی ۱۳۶۸، ۴۰۸، حدیث ۴)
۳. اذا سمعتم اذان یوم الجمعة فامضوا الی الصلاه (قطب راوندی ۱۴۰۵، ج ۱، ۱۳۱)
۴. مبداء حرمه البیع بالأذان (بحرانی و بحرانی ۱۳۶۳، ج ۱۰، ۱۷۳)

۶- دیدگاه علماء در حکم تکلیفی خرید و فروش هنگام نماز جمعه

در مورد حکم تکلیفی، بین علماء اختلاف است و در مسئله دو قول می‌باشد:

۶-۱- قائلین به حرمت

در بین علماء، جناب علامه حلی (علامه حلی ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۷۴) همچنین ایشان در المتخلف و نهاییه الاحکام ادعای اجماع کرده‌اند. جناب شیخ طوسی (طوسی ۱۴۰۷، ج ۱، ۶۳۰)، جناب عمید الدین حسینی (اعرجی ۱۴۱۶، ج ۱، ۱۲۵)، امام خمینی (خمینی ۱۳۷۳، ج ۲، ۴۱۶)، جناب منتظری (منتظری ۱۴۰۹، ج ۱، ۱۰۹)، محقق حلی (صاحب جواهر و محقق حلی ۱۴۱۷، ج ۴، ۱۱۸)، جناب طباطبائی قمی (طباطبائی قمی ۱۳۸۱، ج ۴، ۲۵۴)، شهید ثانی (زین‌الدین بن علی شهید ثانی، ج ۲، ۷۸۴)، جناب گلپایگانی (گلپایگانی ۱۳۸۰، ج ۵، ۳۰۱)، جناب زنجانی (شبیری زنجانی ۱۳۷۷، ج ۷، ۲۷۹)

۶-۱-۱- ادله قائلین به حرمت

۱. اجماع: گروهی از علماء برای حرمت بیع، اجماع را دلیل آورده‌اند (علامه حلی ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۳۵؛ علامه حلی ۱۴۱۰، ج ۲، ۵۳)
۲. آیه لاتعاونوا علی الاثم و العدوان: چون خداوند در قرآن خرید و فروش هنگام نماز جمعه را نهی کرده، اگر کسی به این کار اقدام ورزد، موجب شده است کمک کردن بر انجام کاری که مخالف امر الهی میباشد. (علامه حلی ۱۳۷۸، ج ۵، ۴۲۵)

۳. آیه و ذروا البیع که خداوند مستقیماً خرید و فروش هنگام نماز جمعه را نهی کرده است. (اعرجی ۱۴۱۶، ج ۱، ۱۲۵)

۶-۲- قائلین به کراهت

جناب گلپایگانی (گلپایگانی ۱۳۸۰، ج ۵، ۳۰۱) و جناب بهبهانی (وحید بهبهانی ۱۴۱۹، ج ۳، ۲۳۴) البته در صورتی قائل به کراهت هستند که موجب فوت مقداری از نماز گردد.

۶-۲-۱- ادله قائلین به کراهت

این گروه که تعدادشان به حد قائلین به حرمت نمی‌رسد، بر این باوراند که نهی از شیء مقتضی نهی از ضدش نیست، چه این ضد، خاص باشد یا عام باشد، لذا قائل به کراهت شده‌اند.

۷- دیدگاه علماء درباره حکم وضعی خرید و فروش هنگام نماز جمعه

۷-۱- قائلین به صحت

جناب علامه حلی (علامه حلی ۱۴۱۴، ج ۹، ۱۷۴؛ علامه حلی ۱۳۷۴، ج ۲، ۲۳۶؛ علامه حلی ۱۳۷۸، ج ۵، ۴۲۷؛ علامه حلی ۱۴۱۰، ج ۲، ۸۳) جناب عمید الدین عمیدی (اعرجی ۱۴۱۶، ج ۱، ۱۲۵) جناب احسائی (ابن‌ابی‌جمهور ۱۴۱۰، ۶۳) جناب حبیب الله رشتی (رشتی، ۱۴۰۷، ۱۲۴) جناب شهید ثانی (زین‌الدین بن علی شهید ثانی، ج ۲، ۷۸۴) جناب زنجانی (شیرازی زنجانی ۱۳۷۷، ج ۸، ۶۶۱)

۷-۱-۱- ادله قائلین به صحت

۱. آیه اوفوا بالعقود
۲. اصله الصحه
۳. عدم دلالت نهی بر فساد در معاملات
۴. بیع صادر شده از اهله که صلاحیت بیع را دارند و عقد هم سبب نقل ملک بر مشتری می‌گردد
۵. عدم منافات بین صحت چیزی با حرمت آن چیز عقلاً.
۶. نهی از خارج بیع و نهی از ارکان موجب فساد نیست.

۷-۲- قائلین به بطلان

تنها شخصی که قائل به بطلان خرید و فروش هست، جناب شیخ طوسی می‌باشد. (طوسی ۱۳۸۷، ج ۱، ۱۵۰؛ طوسی ۱۴۰۷، ج ۱، ۶۳۰)

۷-۲-۱- ادله قائلین بطلان

نهی وارده در آیه و دلالت نهی بر فساد.

۸- جمع بندی نظریات

نسبت به حکم تکلیفی، در مسأله دو قول وجود دارد، قائل شدن به حرمت تکلیفی راجح و مرجح می‌باشد، چون ادله قائلین این نظریه، اجماع و ادله محکم اصولی بیان داشته اند، قائل شدن به حرمت نظریه‌های صواب می‌باشد نسبت به حکم وضعی، قائل شدن به صحت معامله، نظریه راجحی است، چون دلیل قائلین این نظریه، قابل مناقشه نیست.

۹- جمع بندی نظریات

گفته شد که نسبت به حکم تکلیفی، حرمت و نسبت به حکم وضعی، صحت نظریه ای صحیح و صواب می‌باشد، این نظریه در زمان امام معصوم علیه السلام، پذیرفتنی است ولی در عصر غیبت این قابل مناقشه است:

اولا در عصر غیبت، نماز جمعه واجب تخییری است و مکلف می‌تواند به جای نماز جمعه، نماز ظهر بخواند، لذا چون شارع خودش رخصت داده است، لذا مکلف می‌تواند نماز ظهر را خوانده و مشغول به خرید و فروش شود، اگرچه مقارن با اقامه نماز جمعه شود.

ثانیا با توجه به اینکه بیشتر مردم معاملات خودشان را در قالب معاطات انجام می‌دهند و عده‌ای از علماء هم قائل اند که معاطات بیع نیست، لذا تخصصا از بحث خارج است و می‌توان هنگام اقامه نماز جمعه، مشغول به خرید و فروش در قالب معاطات شد.

ثالثا به فرض معاطات هم جزء بیع باشد، هنگام شک بر اینکه آیا نهی وارده شامل معاطات هم می‌شود یا فقط مختص بیع می‌باشد، اصل برائت می‌باشد.

۱. قرآن.
۲. ابن ابی جامع، علی بن حسین. ۱۴۱۳. الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز. قم: دار القرآن الکریم.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. ۱۴۱۰. الأقطاب الفقهیة علی مذهب الإمامیة. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۴. ابن هائم، احمد بن محمد. ۲۰۰۳. التبیان فی تفسیر غریب القرآن. بیروت: دار الغرب الإسلامی.
۵. استرآبادی، محمدامین بن محمدشریف، و محمد امین بن محمد شریف استر آبادی. ۱۴۲۶. الفوائد المدنیة. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۶. اعرجی، عبد المطلب بن محمد. ۱۴۱۶. کنز الفوائد فی حل مشکلات القواعد. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۷. الحاشیة علی مدارک الأحکام. ۱۴۱۹. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.
۸. الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة. ۱۴۱۲. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۹. انصاری، مرتضی بن محمدامین. ۱۴۱۶. هدی الطالب إلی شرح المکاسب. بی جا: طلیعة النور.
۱۰. بحرانی، یوسف بن احمد، و یوسف بن احمد بحرانی. ۱۳۶۳. الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۱. بهاء الشرف. ۱۳۹۷. «دعای ۴۸ - دعای آنحضرت در روز عید قربان و جمعه»، ترجمه ی حسین انصاریان. قم: دارالعرفان.
۱۲. حجازی، محمد محمود. ۱۴۱۳. التفسیر الواضح. بیروت: دار الجیل.
۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن. ۱۳۶۸. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع)، الاحیاء التراث.
۱۴. خمینی، روح الله (رهبر انقلاب و بنیان گ، و روح الله خمینی. ۱۳۷۳. المکاسب المحرمة / امام خمینی. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۱۵. روض الجنان فی شرح ارشاد الأذهان. بدون تاریخ. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.
۱۶. شحاته، عبدالله محمود، و مقاتل بن سلیمان. ۱۴۲۳. تفسیر مقاتل بن سلیمان. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی. ۱۳۷۹. رسائل الشهید الثانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، مرکز انتشارات.
۱۸. صاحب جواهر، محمدحسن بن باقر، و جعفر بن حسن محقق حلی. ۱۴۱۷. معجم فقه الجواهر. بیروت: مرکز الغدیر للدراسات الإسلامیة.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۰۷. الخلاف. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۰. ———. ۱۳۸۷. المبسوط فی فقه الإمامیة. تهران: مکتبه المرتضویة.
۲۱. طباطبایی قمی، تقی. ۱۳۸۱. الدلائل فی شرح منتخب المسائل. قم: محلاتی.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۴۱۳. مختصر مجمع البیان فی تفسیر القرآن. قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمیة بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۲۳. طنطاوی، محمد سید. ۱۹۹۷. التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. قاهره: نهضة مصر.

۲۴. علامه حلی، حسن بن یوسف. ۱۴۱۴. تذکره الفقهاء (ط الحدیثه: الطهارة إلى الجعالة). قم: مؤسسة آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
۲۵. ———. ۱۳۷۴. مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. قم: جماعة المدرسين في الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.
۲۶. ———. ۱۴۱۰. نهاية الأحكام في معرفة الأحكام. قم: اسماعيليان.
۲۷. ———. ۱۳۷۸. منتهى المطلب في تحقيق المذهب. مشهد مقدس: آستانه الرضوية المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية.
۲۸. فرزانه، سيدبابک. ۱۳۹۲. مفردات قرآن. تهران: سازمان مطالعه و تدوين كتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، مرکز تحقيق و توسعه علوم انسانی.
۲۹. فقه الإمامية. ۱۴۰۷. قم: مكتبة الداوری.
۳۰. قطب راوندی، سعید بن هبه الله. ۱۴۰۵. فقه القرآن (قطب راوندی). قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).
۳۱. قمی، عباس. بدون تاریخ. کلیات مفاتیح الجنان. قم: اسوه.
۳۲. کاشانی، فتح الله بن شکرالله. ۱۳۸۱. زبدة التفاسیر. قم: مؤسسه المعارف الإسلامية.
۳۳. گلپایگانی، محمدرضا. ۱۳۸۰. مجمع المسائل. قم: دار القرآن الکریم.
۳۴. نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۴۰۸. مستدرک الوسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت (عليهم السلام) لإحياء التراث.
۳۵. نراقی، مهدی بن ابی ذر. ۱۳۸۴. تحفه رضویه. قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم).
۳۶. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، و موسی شبیری زنجانی. ۱۳۷۷. کتاب نکاح (شبیری). قم: موسسه پژوهشی رای پرداز.
۳۷. یزدی، محمد کاظم بن عبد العظیم، و حسینعلی منتظری. ۱۴۰۹. کتاب الزکاة (منتظری). قم: مرکز العالمی للدراسات الاسلامیة.